

چیستی تفسیر تطبیقی در مطالعات تفسیری

تطبیق در زبان عربی و فارسی دو معنای متفاوت دارد. به تبع آن، عنوان تفسیر تطبیقی نیز متفاوت است. در زبان عربی تطبیق از ماده «ط ب ق» به معنای اجرا، عملی کردن و منطبق ساختن است، بر این اساس تطبیقی یعنی کاربردی، عملی و اجرایی و «تطبیق القانون» یعنی عملی کردن آن.^۱ این ماده در اصل به معنای نهادن شیء گسترده‌ای بر چیزی مانند خودش است، به طوری که آن را کاملاً بپوشاند.^۲ چنان که می‌گویند: «طَبَّقَ السَّحَابُ الْجَوَّ» یعنی ابر تمام فضا را پوشاند و «طَبَّقَ الْغَيْمُ السَّمَاءَ» یعنی ابر آسمان را پوشاند و «طَبَّقَ الْمَاءُ وَجَهَ الْأَرْضِ» یعنی آب، همه سطح زمین را فرا گرفت.^۳ بر همین اساس، تطبیق به معنای مسائل و قضایا را تحت یک قاعده یا قانون کلی درآوردن است؛^۴ زیرا وقتی قانون یا قاعده‌ای کلی بر مصادیق آن تطبیق می‌شود در واقع همه آنها را فرا گرفته، زیر چتر خود می‌پوشاند؛ اما در فارسی تطبیق به معنای برابر کردن دو چیز باهم و با هم مطابق ساختن به کار می‌رود.^۵ بنابراین هریک از این دو معنا (در زبان فارسی و عربی) می‌تواند نوعی تفسیر تطبیقی متفاوت با دیگری را موجب شود.

درحوزه زبان و فرهنگ عربی مراد از تفسیر تطبیقی، کاربردی کردن تعالیم قرآن و تطبیق و اجرای تعالیم و دستورات کلی آن در زندگی و منطبق ساختن آنها بر قاعده‌های جزئی‌تر و مصادیق عینی است، چنانکه غالب حسن در کتاب *مدخل جدیده/التفسیر*، نخستین فصل

کتاب را به تفسیر تطبیقی قرآن اختصاص داد و در آن به تطبیق هفت قاعده کلی از قواعد قرآنی بر قواعد جزئی‌تر بحث کرده است.^۶

بعضی از تفسیرپژوهان فارسی زبان نیز تفسیر تطبیقی را در همین معنا به کار برده و آن را روشی برای بیان پیام قرآن می‌دانند. این افراد فایده تفسیر تطبیقی به این معنا را آماده کردن مخاطبان برای دریافت آن بخش از پیام‌های قرآن دانسته‌اند که مناسب با شرایط زمانی و مکانی خاص نوشته شده باشد و تفسیر راهنما، اثر اکبر هاشمی رفسنجانی و تفسیر نور اثر محسن قرائتی را از نمونه‌های بارز تفسیر تطبیقی برشمرده‌اند.^۷ این نوع تفسیر تطبیقی به تفسیر جهت می‌دهد و قرآن را در متن زندگی مسلمانان می‌آورد تا همواره از هر آیه، پیام و رهنمود مناسب را دریابند.^۸

این نوع از تفسیر تطبیقی، در میان پیروان کتب مقدس نیز سابقه دارد. گروهی از کشیشان و معلمان طوایف گوناگون مسیحی به تهیه تفسیر تطبیقی کتاب مقدس مبادرت کردند. این تفسیر همه آنچه که به فهم شرایط و ظروف زمانی و فضای عمومی حاکم در جامعه مربوط می‌شود که فقره‌ای از کتاب مقدس درباره آن نوشته شده را تقدیم مخاطب کرده و در کنار شرح کلمات و عبارات دشوار، معلومات و اطلاعات تاریخی فراوانی به مخاطبان داده است.^۹ همچنین مخاطب را در کشف ارتباط بخشی از فقرات کتاب مقدس با بخش دیگر آن یاری می‌رساند. در عین حال تفسیر تطبیقی تنها به تقدیم اطلاعات ادبی و تفسیر آن بسنده نمی‌کند، بلکه مخاطب را به سمت تطبیق عمل و اجرا کردن آنچه در متن رخ داده سوق می‌دهد.

در حوزه زبان و فرهنگ فارسی خصوصاً شاخه تفسیر، مقصود از تفسیر تطبیقی مطالعه مقایسه‌ای در حوزه تفسیر است. این مقایسه می‌تواند در حوزه‌هایی متنوع انجام پذیرد. امروز در فرهنگ فارسی، همین معنا از تفسیر تطبیقی مقصود است نه معنای نخست آن. در

زبان و فرهنگ عربی از این نوع تفسیر گاه به «تفسیرمقارن» یا مقارنه‌ای و گاه به «تفسیرموازن» یا موازنه‌ای تعبیر می‌شود.^{۱۰}

برخی در تعریف تفسیر تطبیقی می‌گویند: تفسیری است که مفسر، آیاتی از قرآن را محور قرار می‌دهد و به جستجوی آرای مفسران، اعم از قدما و متاخران و اعم از اینکه روش تفسیری آنها عقلی یا نقلی باشد، همراه با ذکر وجوه و احتمالات مطرح شده از آنها می‌پردازد و آن وجوه و احتمالات را مقایسه و ارزیابی می‌کند.^{۱۱} برخی دیگر تفسیر تطبیقی یا مقارنه‌ای را به بررسی مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های شیعه و اهل تسنن درباره مفاهیم قرآن، محدود می‌کنند و معتقدند مراد از این تطبیق، مقایسه میان دو مکتب از مکاتب تفسیری و روش‌های گوناگون تفسیری همچون ادبی، روایی و کلامی نیست، بلکه بررسی تطبیقی تفسیر آیات، فارغ از روش‌ها و مکاتب، تنها براساس دو منظر شیعی و اهل تسنن است.^{۱۲} درباره تفسیر تطبیقی و دامنه تعاریف آن دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. برخی در تعریف این نوع از تفسیر دامنه آن را بسیار فراتر می‌دانند و حتی به حوزه مطالعات تطبیقی میان قرآن و عهدین یا دو یا چند مکتب تفسیری یا دو یا چند روش تفسیری و... تعمیم می‌دهند. بنابراین با توجه به معنای گوناگون این اصطلاح نویسنده حوزه مطالعه تفسیری بایسته است که مراد خود را از این اصطلاح روشن سازد هرچند وقتی این اصطلاح در چنین نوشته‌هایی می‌آید منظور بررسی موضوع، مسأله یا محتوای آیه و... بر اساس دو دیدگاه شیعه و اهل تسنن است.

زهره شریعت ناصری

پاییز ۱۳۹۴

پی نوشت‌ها:

۱. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۳۹۳-۳۹۲، ماده طبق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، محقق: هارون، عبد السلام محمد، ص ۵۶۸، ماده طبق.
۳. انیس و دیگران، ابراهیم، المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۵۰.
۴. همان.
۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۰۹۵، «تطبیق».
۶. غالب، حسن، مدخل جدید التفسیر، ص ۲۹-۱۱.
۷. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۶۴۲-۶۴۱.
۸. همان.
۹. برای آگاهی بیشتر: رج کنید: التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس، بی تا.
۱۰. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۵۱.
۱۱. همان.
۱۲. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین، ص ۱۳.

منابع:

۱. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، محقق: هارون، عبد السلام محمد، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی محل نشر: قم، ۱۳۶۱ق.
۳. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۴ق.
۴. انیس و دیگران، ابراهیم، المعجم الوسیط، [بی جا]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۵. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان، ۱۳۷۷ش.
۶. غالب، حسن، مدخل جدید التفسیر، دارالهادی، ۱۴۲۴ ق.
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
۸. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۰.